

<p>تلفن: ۸۸۷۶۱۷۴۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۴۵ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵</p> <p>پيامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸</p> <p>مصدوق پستی: ۵۳۳۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰</p> <p>چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی / چاپخانه همشهری</p> <p>سازمان آگهی‌های روز‌نامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT</p> <p>تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</p> <p>انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewsaper.ir</p>	
<p>اذان ظهر ۱۲/۰۹ اذان مغرب ۲۰/۴۴ نیمه شب شرعی ۰۰/۱۷ اذان صبح فردا ۴/۱۰ طلوع آفتاب فردا ۵/۵۵</p>	
<p>امام‌علی علیه‌السلام: هر کس بد اخلاق باشد، روزی اش تنگ می‌شود.</p>	
<p>سخن روز</p>	<p>[غررالحکم،ح ۲۳/۸]</p>



نگاره

ایمان توری نجفی

کرونای تابستانه!!



شنیدن موسیقی‌های ماندگار و امید به فردای روشن

شرایط اکنون روزگار امروز ما دگرگون و آشفته حال است و به نوعی افکارمردم پریشان احوال و دل‌نگران، اما امید تنها نیرویی است که می‌توانیم به آن تکیه کنیم و سراپا بایستیم و در کنار آن پرداختن به کارهای هنری و شنیدن موسیقی‌های خوب و دلنشین است، بویژه آثار نسل قبل یعنی دهه‌های ۳۰-۴۰ و ۵۰، موسیقی‌های آرامش‌بخشی که بوی عشق آن همچنان احساس می‌شود و طراوت گذشته خود را حفظ کرده. اما متأسفانه برخی از موسیقی‌های امروز دارای چنین ویژگی‌هایی نیستند و همان اندک آرامش هم از فرد گرفته می‌شود که متاثر از ترانه‌های سخیف و ملودی‌هایی است که هرگز به دل نمی‌نشینند. گاهی جوانان را می‌بینم سرگرم گوش دادن به موسیقی‌های روز هستند و وقتی به آنها می‌گویم چند دقیقه‌ای دستگاه صوتی خود را متوقف کنید تا آنچه را که شنیده‌اید بازگو نمایید، در نهایت می‌بینم دریافتی نیست و حرفی برای گفتن ندارند و تنها از سر تنفن و بدون دانش و آگاهی روبه چنین آثاری آورده‌اند و این موضوع بیانگر آن است برخی از آثار موسیقایی امروز شاخصه‌ای برای جذب مخاطب نداشته و جایگاه و ارتباط حسی عاشقانه ندارد.

البته کارهای خوب هم ساخته شده و نباید منکر آن بود اما در مجموع بعد از چهل و اندی که از انقلاب می‌گذرد، هرگاه نسل‌های سوم و چهارم این انقلاب به دور هم جمع می‌شوند، موسیقی نسل ما را زمزمه و اجرا می‌کنند و بار دیگر تأکید می‌کنم این موضوع بیانگر آن است که موسیقی‌های امروزی نتوانسته جایگاه ویژه و تأثیرگذار خود را روی این نسل‌ها بگذارد و همچنان آهنگ‌هایی چون «مرا ببوس»، سلطان قلب‌ها، مرغ سحر و...» را اجرا می‌کنند، آثاری که بیش از نیم قرن از تولید آن می‌گذرد.

براین اساس به اعتقاد من یک از کارهایی که می‌تواند برای نسل فعلی و مردم عزیز آرامش‌بخش باشد، شنیدن موسیقی‌های بی‌کلام یا با کلام نسل گذشته و در واقع نسل ما است، بخصوص تک نوازی‌های اساتید گذشته؛ تار جلیب شهناز، نوازندگی فرهنگ شریف، سه تار استاد عبادی، کمانچه علی اصغر بهاری، نی حسن کسایی و دیگر بزرگانی که بعید است نظیرشان پیدا شود.

ناگفته نماند علت مانایی و جاودانگی آثار موسیقیدانان دهه ۳۰ تا ۵۰ وحدت و عشقی بود که در بین آنها شکل گرفت. در گذشته پدید آمدن یک اثر هنری آداب و اصولی داشت و مجموع ترانه‌سرا، آهنگساز



علی حاتمی برای من فصلی سازنده از نظر انسانیت است

تجربه‌همکاری بسیار خوبی باعلی حاتمی داشتم و باعث شد در آن مسیر که مربوطبه خیلی سال‌هایپیش است که فکرکنم دهه ۷۰بودنکات بسیاری بیاموزم و برای من فصلی بسیار سازنده از نظر انسانیت و انجام کارهای تخصصی در موسیقی فیلم بود. هر روز فیلم‌برداری و کار در کنار علی حاتمی برای من زندگی بود و تاریخ پیاپی نداشت. همین حالا که به‌علی حاتمی فکر می‌کنم می‌بینم او ادامه دارد و این صحبت‌ها در شعار نیست و علی حاتمی زنده است و هرکسی که درباره او حرفی می‌زند حس خوشحالی به او دست می‌دهد. علی حاتمی هرگاه می‌خواست کاری را انجام بدهد غیر ممکن بود از آن تصمیم کوتاه بیاود و از ایده حسن نمی‌گشت.

بخشی از صحبت‌های حسین علیزاده آهنگساز و نوازنده پیشگسوت با موسیقی ما



پیش‌بینی آینده ادبیات کار ساده‌ای نیست

ضرورت نگاه متفاوت نویسنده به کرونا

صحبت درباره میزان اثرگذاری بیماری کرونا بر پیکر ادبیات چیزی نیست که بتوان به راحتی درباره‌اش نظر داد.

برخی از رنسانس ادبی سخن به میان می‌آورند، عده‌ای دیگر معتقدند که این اتفاق به رغم همه تلخی‌هایی که سبب شده باعث شکوفایی بسیار شعر و داستان‌نویسی‌مان می‌شود و اظهارنظرهایی ازاین‌دست. البته تردیدی نیست که وقوع چنین اتفاقات مهلکی بر همه ابعاد فرهنگ، ازجمله ادبیات تأثیر خواهد گذاشت. اما اینکه بلافاصله بعد از کنترل این بیماری منتظر انتشار آثاری با این مضمون باشیم چندان معقول نیست. البته من هم منکر گفته برخی دوستان نیستم؛ اما تأکید دارم درباره چگونگی و زمان آن نمی‌توان نظر دقیقی داد. همین حالا در کشور خودمان و سایر نقاط جهان کارهایی شروع شده است. هرچند که بحث من بیشتر درباره ادبیات خودمان است.

اگر خواهان اطلاع از میزان اثرگذاری این بیماری همه‌گیر بر داستان‌نویسی و حتی شعرمان هستیم باید تا کنترل کامل آن صبر کنیم. کار نویسندehای که علاقه‌مند به نوشتن رمان یا مجموعه داستانی بر این اساس باشد تازه بعد از پایان این همه‌گیری است که شروع می‌شود.

بدون مطالعه بسیار نمی‌توان به سراغ چنین موضوعاتی رفت. نویسنده علاقه‌مندی که خواهان تألیف اثر خواندنی و ماندگار باشد باید به سراغ مطالعه همه

یادداشت



محمد قاسم‌زاده نویسنده و پژوهشگر ادبیات

ادبیات تأثیر خواهد گذاشت. اما اینکه بلافاصله بعد از کنترل این بیماری منتظر انتشار آثاری با این مضمون باشیم چندان معقول نیست. البته من هم منکر گفته برخی دوستان نیستم؛ اما تأکید دارم درباره چگونگی و زمان آن نمی‌توان نظر دقیقی داد. همین حالا در کشور خودمان و سایر نقاط جهان کارهایی شروع شده است. هرچند که بحث من بیشتر درباره ادبیات خودمان است.

اگر خواهان اطلاع از میزان اثرگذاری این بیماری همه‌گیر بر داستان‌نویسی و حتی شعرمان هستیم باید تا کنترل کامل آن صبر کنیم. کار نویسندehای که علاقه‌مند به نوشتن رمان یا مجموعه داستانی بر این اساس باشد تازه بعد از پایان این همه‌گیری است که شروع می‌شود.

بدون مطالعه بسیار نمی‌توان به سراغ چنین موضوعاتی رفت. نویسنده علاقه‌مندی که خواهان تألیف اثر خواندنی و ماندگار باشد باید به سراغ مطالعه همه

فرباد محیط‌زیست از دست انسان

اگر قرار باشد حال و احوال آب و برق این روزها را از دوربین ادبیات نگاه کنیم و از تهاجم انسان به محیط‌زیست، فریادی بکشیم، دو کتاب «اندیشه‌های یک مدیرتراژ» و «استکاتو» دو اثر تازه منتشره («عسی بزرگ‌زاده» در همت نشر «حکمت کلمه» دقیقاً پیش‌بینی و خودانتقادی نویسنده‌ای است که ادبیات را برای بهبود وضعیت انتخاب کرده است و بی‌هیچ تعارفی با میزها و مندی‌لی‌ها به گفت وگو نشسته است و از بایدها و نبایدهای صنعت و عمران در مواجهه با انسان و محیط‌زیست نوشته است. قرار بود تئاتر شهر میزبان آیین رونمایی این دو اثر باشد که بنا به ملاحظات بهداشتی این برنامه در رستورسانه‌های مجازی و با حضور چهره‌هایی از حوزه ادبیات و محیط‌زیست در تالار شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران برگزار گردید. محمد درویش در آغاز این برنامه یاد نام خبرنگاران مظلوم محیط‌زیست را گرمی داشت و انتشار این دو اثر توسط یکی از فعالان حوزه آب را نقطه عطفی برای ادبیات اجتماعی این روزگار مطرح کرد. درویش که از فعالان اجتماعی و محیط‌زیست می‌باشد با استقبال از تصمیم هوشمندانه مؤلف



برای کنش آفرینی به وسیله ادبیات، از اینکه مدیری موثر در چرخه تصمیمات اثرگذار آبی نه روپروی جامعه مطالبه‌گر بلکه در کنار آن‌هاست اظهار خرسندی کرد. دکتر محمد فاضلی از فعالان اجتماعی که خود نیز مدت‌ها در وزارت نیرو همکاری داشته است با مبارک خواندن این اتفاق، تبدیل جامعه و دروینات آن به ادبیات را محصول یک دهه گفت وگوی مستمر و نتیجه اراده جامعه محیط زیستی دانست. وی اظهار داشت وضعیت پرمخاطره محیط‌زیست را می‌توان با نزدیک‌تر کردن دو قطب موافق و مخالف این جریان فعال نیز سیمای شعارانه قصه‌های استکاتو را قابل ستایش دانست و از قابلیت فیلمنامه شدن داستان‌های بزرگ‌زاده به عنوان نقطه قابل ستایش یاد کرد. وی با کم سابقه دانستن چنین تجربیاتی در حوزه ادبیات امروز، توقیف مؤلف در شرایطی که بر لبه تیغ حرکت می‌کرده است را مقبول و مطلوب مخاطبان دانست. همچنین شهاب آگاهی کارگردان تئاتر نمایشنامه «اندیشه‌های یک مدیرتراژ» را متنی برای آینده خواند که مؤلف از وجود خویش خرج کرده است و وجدان خود را زیر پا نگذاشته است. فریاد ناصری مدیر نشر حکمت کلمه نیز توجه این مخاطبان را به این دو اثر محتوم دانست و مشترک دانستن دغدغه‌های خود و مؤلف را دلیل استقبال از انتشار این دو اثر دانست و اظهار داشت که ما در برابر نسل آینده مسئولیم و شاید این همکاری بتواند یک قدم برای پاسخگویی به آن نسل باشد. وی انتشار این دو اثر را حذف دیوار گفت‌وگوی مدیران عیسی بزرگ‌زاده مؤلف دو اثر مذکور نیز دو کتاب خود را باعث گفت وگوی آرام میان صاحب‌نظران محیط‌زیست و مهندسان عمرانی و ادبیات دانست. وی توسعه پایدار و درک درست از مدیریت مصرف و مواجهه با محیط‌زیست را چالش پیش روی صنعت دانست که می‌توان برای این متفذ کردن آن از ادبیات سود برد.

سینما در دنیا دچار رکود و آهستگی شده است

در این روزهای کرونایی در پروژه‌ای کار می‌کنم که دنباله سریال «نحلا» است. و همچنین ادامه سریال «از سرنوشت» را نیز کار می‌کنم. اما باید بگویم که در این شرایط نامساعد کرونا، سر صحنه بازی از پروتکل‌های بهداشتی خبری نیست. مگر اینکه هر کسی شخصاً مسائل بهداشتی را رعایت کند.

با اینکه اوضاع کرونا به گونه‌ای شده است که اکثر شهرها در وضعیت قرمز قرار گرفته‌اند، اما ما همچنان بر سر صحنه بازی حاضر می‌شویم. کار انجام می‌شود، اما سینما دچار رکود و آهستگی شده است. این اتفاق در همه جای دنیا افتاده است و از کمیت و کیفیت فیلم‌ها کاسته شده است. اتفاقی که تقریباً برای تمامی مشاغل افتاده است. کرونا از کیفیت کارهای گروهی کاسته است. امیدوارم با اتفاقی که در دنیا افتاد بهتر بتوانیم مدیریت کنیم تا این گونه اسیر بحران نشویم. وقتی صحنه شلوغ است و هنرور هم برای کسب تجربه می‌آید، قطعاً بیماری کرونا از بین نخواهد رفت و این گونه با تجمع و تعداد بالای افراد به‌سرعت سرایت می‌کند. در طی این دو سال همکاران زیادی را به خاطر بیماری کرونا از دست دادیم. البته شغل ما به گونه‌ای است که جاهایی هم امکان رعایت پروتکل‌های بهداشتی اصلا وجود ندارد، قطعاً باید در اینجا کار متوقف شود که متأسفانه نمی‌شود.

از کرونا که بگذریم مسأله آب و برق است که برای مردم مشکل را شده است. اکنون که ما با هم صحبت می‌کنیم بسیاری از کودکان سرزمینمان تشنه هستند مثل کودکان سیستان و بلوچستان. در حال از بین رفتن است.

خلاصه می‌گویم و خیلی مناطق دیگر. بخشی از این مسائل و مشکلات به‌خاطر شرایط اقلیمی است اما بخش دیگر به مدیریت کشور برمی‌گردد. جنگل‌ها می‌سوزند و اتفاقات تلخ بسیاری در حوزه طبیعت و محیط زیست می‌افتد که شاید قابل جبران هم نباشد. امیدوارم مدیران فکری به حال محیط زیست

و مشکلات آب و برق کنند.

زندگی، راز بزرگی است که در ما جاریست

زندگی فاصله آمدن و رفتن ماست

رود دنیا جاریست

زندگی، آبتنی کردن در این رود است

وقت رفتن به همان عربانی، که به هنگام ورود آمده‌ایم

دست مادر کف این روده دنبال چه می‌گردد؟!!!! هیچ



سهراب سپهری

تئاتر فراموش شده تئاتر دوست داشتنی

در ماه‌هایی که زندگی با کرونا گره خورد و کیفیت خود را از دست داد، در روزها و شب‌هایی که رستوران‌ها و فروشگاه‌ها باز بودند و مردم، نه دورهمی خانوادگی را ترک کردند، نه هنر مظلوم تئاتر، مظلوم‌تر مسافرت و گشت وگذار را، وضعیت‌تر شد. سالن‌ها و تماشاخانه‌ها تعطیل شدند، عوامل و فعالان این حوزه دست خالی ماندند و کرونا، پیروزمندانه کمر تئاتر را شکست. سینما بواسطه وجه تجاری‌اش و به لطف تهیه‌کننده-سینمادارها بیشتر مورد توجه است و قرمز شدن شهر و افزایش ابتلا به کرونا، اگرچه به تعطیلی موقت سالن‌ها می‌انجامد اما فریاد و اسفای سینمادارها نمی‌گذارد چراغ سینما خاموش بماند.

با توجه به وضعیت سینوسی شیوع کرونا در ایران و روند واکسیناسیون، حضور در مراکز عمومی خطرناک و غیرمنطقی است. سینما رفتن و تماشای تئاتر در سالن هم، با وجود لذت بخش بودن، در اولویت مردم نیست و عموم شهروندان ترجیح می‌دهند اگر ته جیبشان پولی باقی مانده در پاساژگردی و رستوران خرج کنند. در این اوضاع اقتصادی شاید حرف زدن از مشکلات تئاتر، گزافه به‌نظر برسد اما برای آنان که این هنر شریف را دوست دارند و در دنیای نمایش، غرق می‌شوند و می‌دانند که تئاتر، می‌تواند منشأ تغییرهای فرهنگی باشد، سرنوشت تئاتر و فعالانش مهم است. حتی اگر مدیران فرهنگی که در آخرین روزهای تصدی‌شان هستند به آخرین چیزی که فکر می‌کنند تئاتر باشد. همان تئاتری که ستاره‌های پولساز سینمای ایران در آن متولد شده و به شهرت رسیده‌اند و حتی بهترین بازی‌هایشان را روی صحنه سالن‌های آن، در دل تاریخ به یادگار گذاشته‌اند. تئاتری که با همه مشکلاتش، تنها نقطه امید برای معرفي بازیگران جوان و مستعد است و تنها کورسوی خلق اثر هنری و تجلی هنر و ذوق و خرد.

شیوع ویروس کرونا می‌توانست بازار نمایش آنلاین تئاتر را گرم کند، می‌توانست دوباره به انتشار نسخه تصویری نمایش‌ها رونق بدهد. اما این اتفاق‌ها در دو سال سختی که پشت سر گذاشتیم عملی نشد. پلتفرم‌ها چندین سریال تولید کردند، بازیگرها دستمزدهای نجومی گرفتند ولی هیچ پلتفرمی برای عرضه تئاترها رغبت نشان نداد. بازار تولید، آنچنان در سیطره پول است که حتی به تئاتر فکر هم نمی‌شود. در حالی که بسیاری از نمایش‌های پنج سال اخیر، می‌توانند در عرضه آنلاین پرمخاطب و پرفروش باشند. نمایش‌هایی که ستاره‌های سینمای امروز نوید محمدمزاده و هوتن شکیبا در آنها بازی کرده‌اند. سحر دولتشاهی بازیگر «می‌خواهم زنده بمانم» و «قورباغه» در آنها روی صحنه رفته و حتی امیرنوروزی کشف تازه سینمای ایران (بازیگر «می‌خواهم زنده بمانم» و «مردم معمولی») در آنها درخشیده است. متولیان و مدیران تئاتر، به اندازه مخاطبان عام، به اندازه آثانی که یک بار پیايش به سالن تئاتر باز نشده یا از نمایش و جادوی آن فقط «تئاتر گلریز» را می‌شناسند، به تئاتر باور و اعتماد و از آن شناخت دارند. آنها آنقدر بی‌انگیزه و بی‌اعتماد به نفس بودند که به اندازه برخی سینمادارها و پخش‌کننده‌ها که همه هنر و اعتبارشان در زد و بند مالی و جعل آمار و سندسازی برای فیلم‌های تجاری خلاصه می‌شود، هم به فکر بقای تئاتر نبودند. سینمادارها نگذاشتند سینما دائم تعطیل بماند، اما مدیران تئاتری همه امکان‌هایی که برای احیای تئاتر و حفظ ارتباط مخاطب با این هنر زیبا وجود داشت، نادیده گرفتند و تسلیم کرونا شدند.

عکس نوشت

خبرگزاری تسنیم گزارش تصویری از پیاده راه‌آستان‌شهریان منتشر کرده که مربوطبه استان فارس است. باتوجه به شیوع موج جدید ویروس کروناو قرار گرفتن شهر شیراز در وضعیت نارنجی به علت خنک بودن هوادر شب‌های تابستان، مردم شیراز دراین پیاده راه تازه تأسیس اوقات فراغت خود را می‌گذرانند.

